

"در باره کمک 6 میلیاردی وزیر کار به کارگردان مسابقه تلویزیونی "میدون"

کاظم فرج الهی

چند روزیست که در برخی پایگاه های خبری داخلی از جمله "صراط" و "آخرین خبر" به تاریخ 26 دیماه 1400 و دیگر رسانه های فضای مجازی تصویری از نامه علی فروغی مدیر شبکه سه سیما خطاب به حجت الله عبدالملکی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت سیزدهم منتشر شده که در آن فروغی از وزیر کار درخواست تخصیص اعتبار 48 میلیارد تومانی برای ساخت و تولید 780 قسمت مسابقه «میدون» را داشته است. طبق گزارش این منابع وزیر کار نیز پیرو این نامه، با پرداخت 6 میلیارد تومان برای پشتیبانی از این برنامه موافقت کرده است. در آغاز نسبت به درستی این خبر و تصویر منتشر شده از نامه، تردید بسیار بوجود آمد. اما روز بعد طبق گزارش خبر آنلاین (27 دیماه) بهزاد مرکش دستیار ویژه وزیر کار در امور فرهنگی و رسانه در توییتری، این کار را تایید و حمایت از کارآفرینی عنوان کرده اند.

درستی و روی دادن چنین بخشش و هزینهی نابجایی مراد این نوشته نیست. مبلغ 6 میلیارد تومان نیز با این که قدری بیش از دریافتی ماهانه 1428 تن بازنشستهی حداقل بگیر سازمان تامین اجتماعی است اما در قیاس با دیگر هزینه ها و چه بسا ریخت و پاش های مدیریتی این سازمان، چندان بزرگ و قابل ملاحظه به نظر نمی رسد. مساله مهم در این جا ساز و کاری است که اجازه ی این گونه تخلف ها و حاتم بخشی ها را می دهد و مدیران را از مورد پیگرد قرار گرفتن و نیاز به پاسخگویی مصون می دارد. واقعیت این است که یکی از دلایل مهم به نفس افتادن بنیه مالی و ناتراز شدن دخل و خرج سازمانی این چنین قدرتمند به لحاظ مالی (چنان که تا دهه هفتاد بود)، اضافه بر دست اندازی های دولت و تحمیل غیر قانونی بسیاری از هزینه های دولتی و حکومتی به این سازمان، برداشت ها و هزینه های این چینی مدیران در دوره های مختلف است. حدود 8 سال به عقب برگردیم؛ زمانی که ریخت و پاش های کلان، بذل و بخشش های بی حساب و کتاب و پرداخت کمک ها و اعطای پاداش های نجومی به مدیران وقت سازمان تامین اجتماعی مساله ساز شد. در اواخر دوره مدیریت قاضی سعید مرتضوی بر سازمان تامین اجتماعی رقم های هزینه های مدیریتی و پاداش های کلان و نجومی به خود، مدیران و حتا اشخاصی خارج از سازمان چنان مورد توجه قرار گرفت و رسانه های شد که کار به تحقیق و تفحص مجلس در مورد این هزینه ها کشیده شد. نتایج این تحقیق و تفحص و ارقام نجومی پاداش ها که در صحن علنی مجلس خوانده و به روزنامه ها نیز کشیده شد، بسیار غارت گونه و شگفت انگیز بود؛ واکنش های بسیاری را برانگیخت و رسیدگی به حساب و کتاب و دخالت قوه قضاییه را طلب کرد. گستره ی نام دریافت کنندگان پاداش ها به برخی نمایندگان مجلس و حتا پاره ای از اعضای هیات مدیره های مثلا تشکل های کارگری و کانون بازنشستگان هم رسیده

بود. معلوم شد کسانی که باید برحسب جایگاهی که اشغال کرده بودند، نمایندگان مردم منطقه خود یا نماینده کارگران و بازنشستگان و ناظر و کنترل کننده امور جاری در این سازمان باشند خود حق السکوت بگیر بوده اند. برای آگاهی از ابعاد ماجرا فقط دو نمونه پاداش 92 و 48 میلیون تومانی که به دو عضو هیات مدیره دو تشکل سراسری کارگری کانون عالی انجمن های صنفی و مجمع عالی نمایندگان کارگری و عضو هیات مدیره کانون عالی بازنشستگان کارگری تامین اجتماعی آن زمان (سال های 1391 و 1392، نام آن ها نیز در گزارش ها آمده است) اعطا شده اشاره می شود.

اما سعید مرتضوی خود قاضی و داننده ی رموز کار بود در پاسخ به این تحقیق و تفحص آن چنان که در روزنامه شماره 3087 دنیای اقتصاد به تاریخ 21 آذر 1392 آمده است خود ناخواسته، به خوبی ریشه این نابسامانی و بستر فساد را بیان می کند:

"درخصوص مبالغ پرداخت شده در سال ۱۳۹۱ و شش ماه اول سال ۱۳۹۲، تنظیم کنندگان گزارش به صورت ناقص و با ادبیات ابهام آفرین بدون ذکر این نکته اساسی که وجوه مذکور از محل اعتبارات غیرشمول پرداخت شده و به استناد بند ه تبصره ۴ امور اداری و مالی بودجه مصوب سازمان، پرداخت از محل غیرشمول به دو بخش تقسیم شده یک بخش آن در اختیار هیات مدیره و بخش دیگر در اختیار مدیر عامل است تا مطابق جزء (۱/۱) از بند (۱) ضابطه بودجه جهت کمک بلاعوض و اعطای وام قرض الحسنه به بیمه شدگان، مستمری بگیران، کارکنان، کانون های بازنشستگی، موسسات و غیره حسب تشخیص مدیر عامل یا هیات مدیره پرداخت شود و بودجه غیرشمول بر اساس تبصره (۱) ماده ۳۸ آیین نامه سازمان از سنوات قبل تاکنون بوده و بر همین روال عمل شده است. اعتبار غیرشمول بر اساس گستردگی هر وزارتخانه یا سازمان در اکثر مجموعه های قوای سه گانه و وزارتخانه ها و سازمان ها و نهادهای عمومی وجود دارد و بر اساس قانون مربوطه در اختیار بالاترین مقام مجموعه است و به تشخیص او هزینه می شود".

قضیه روشن است. اعتبارات غیر شمول یعنی عدم نیاز به پاسخگویی. یعنی شخصی که در راس این سازمان قرار می گیرد و عنان اختیار سرمایه عظیم بین النسلی ده ها میلیون کارگر در اختیار ایشان قرار گرفته در ریخت و پاش و هزینه این اموال الزامی به پاسخگویی به صاحبان امر را ندارد. ماجرا وقتی بیشتر تاسف بار می شود که می بینیم کسانی که به نادرست و در ساز و کاری غیر دموکراتیک در جایگاه نمایندگان کارگران و بازنشستگان قرار می گیرند به جای پایش امور و گزارش به موکلین خود، به جای رفاقت با قافله به شریک غارتگر تبدیل می شوند.